

فعل
 لغدیه حرف واحد بل یجوز ان یجمع علی واحد حروف کثیره
 الا اذا كانت مع واحد حروف من باب یدید همز فانه لا یجوز ان یجمع
 مررت یدید بالبریه اعط البریه ولا تعدی فعل باله
 والضعیف فات القبل من الجرد العوض ابواب الشعبه
 موقوف علی السماع فلا تقول اضرت سیدنا عمر و
 ولا قلت خالد وهو ذلک کذا قل لعلم المحققین والحق
 انه لا یدعی الی الذی یخت عندهم وجماعه مقابلا
 لا اسم من تغییر الحروف معناه کما تم من اینه بحسب
 معنی الفعل ولا یدعی مع التعمیر کما یروى
 به خلاف مررت به نعم یصح ان یقال فی
 حاره کل یجود و ان الفعل منعده الی کما یقال
 یدعی الی الطرف وعبیه ولكن لا

ما یحتمل و یدعی الی الذی یخت
 علی ان فی قوله لا یجوز ان یجمع
 المانظر کما
 یروى من ان
 وعبیه و
 قوله و ان
 یروى من ان

برزیت مراد خروج است یا سرای آخرت انما حکم خبره یا است
 الکلفت کما یکن هم جنین بر تکذیب و کفر باصرار که در معنی گفت
 تا که تاگاه قیامت بایشان آید ایشان کو میر این پشیمان و حسرت
 مار بر آنچه تفریر کردیم در طاعت خدا بنفوس و کار قیامت در دنیا ابو سعید
 خدری گفت روایت از رسول ص که فردا قیامت چون اهل دوزخ
 درجات و منازل اهل بهشت پندار و گویند یا حسرتنا علی ما ظننا
 فیها ایشان باکران برشته ها خود برداشته باشند در راه بود که مراد
 عقوبات گناه بود در خبر است که چون مرمن از کور به فرزند شخصی
 با استقبال او ایم بصورت نیکوتر و خوشتر بودی ترا از کور بنایند او را کوبه
 مرانشناسی گویند که مرمن عمل صالح تو ام در در دنیا مرست که بر تو پسته
 بودم اکنون تو بر من بشین بیانش یوم المکرمه خسر المتقین الی
 الرحمن و فدا ای کربانان او کافر چون از کور بر فرزند شخصی پیش آمد با
 صورت و بوی ناخوش او را کوبه مرای شناسی گویند که مرمن عمل تو ام
 در است که تا تو در دنیا برون نشسته بودی امروز من بر تو خوام

Copyright © King Saud University